

رواننویس ے روان نویس	پنجپایہ ے پنج پایہ
خرمنکوب ے خرمن کوب	تکمحصولی ے تک محصولی
غولاسا ے غول آسا	
توجہ ۱: کلماتی کہ شکل ترکیبی آنہا کاملاً پذیرفته شده است، به همان شکل پیوسته نوشته می شوند: کتابخانه، آبرو، آبجوش	
توجہ ۲: هرگاه جزء دوم کلمه‌ی مرکب با «آ» آغاز شود کلمه پیوسته نوشته می شود و مد " " از الف حذف می گردد: پیش آهنگ ے پیشاهنگ	
هم آیش ے همایش	شب آهنگ ے شباهنگ
□ ترکیب های عربی پر کاربرد در فارسی:	
عنقریب ے عن قریب	معهدا ے مع هذا
انشاء الله ے ان شاء الله	منجمله ے من جمله
علیحدہ ے علی حدہ	معدلک ے مع ذلک
□ «را» نشانه‌ی مفعول:	
آنرا ے آن را	کتابرا ے کتاب را
کرا ے که را	تورا ے تو را
توجہ: «چرا» و «زیرا» به صورت پیوسته نوشته می شوند.	
□ «ها» نشانه‌ی جمع:	
کتابها ے کتاب ها	آنها ے آن ها
قلمها ے قلم ها	ایرانیها ے ایرانی ها
□ که:	
آنکه ے آن که	چنانکه ے چنان که
همینکه ے همین که	اینستکه ے این است که
توجہ: «بلکه» پیوسته نوشته می شود.	
□ «می» نشانه‌ی استمرار یا نشانه‌ی اخباری بودن فعل:	
میبرد ے می برد	میروم ے می روم
میشنود ے می شنود	میگذرد ے می گذرد
□ ترو ترین:	
آسانتر ے آسان تر	مهربانتر ے مهربان تر
کوچکتر ے کوچک تر	خوبتر ے خوبتر
□ این و آن:	
آنگاه ے آن گاه	آنسو ے آن سو
اینگونه ے این گونه	اینطور ے این طور
ازینرو ے از این رو	اینجانب ے این جانب

شیوه‌ی خط فارسی

www.hm124.ir

هنگام سخن گفتن برای القای بهتر معانی از تکیه، آهنگ و تأکید استفاده می کنیم. رعایت این موارد به سخنور کمک می کند به راحتی بتواند با شنونده اش ارتباط برقرار کند. رعایت شیوه‌ی خط فارسی نیز در یک نوشته موجب گویایی، سادگی و سهولت خواندن و نوشتن می شود. به کمک شیوه‌ای یک دست از دوگانگی پرهیز می شود.

در شیوه‌ی خط فارسی که می آید اصل بر چند مطلب است:

- ۱- رعایت موازین دستور زبان فارسی
- ۲- رعایت استقلال کلمات
- ۳- همخوانی نوشتار با گفتار
- ۴- تبعیت واژگان بیگانه از شیوه‌ی خط فارسی
- ۵- سهولت در خواندن و نوشتن
- ۶- گزینش بهترین شکل نوشتاری
- ۷- انعطاف پذیری
- ۸- چشم‌نوازی و زیبایی خط

آن چه که گفته می شود جنبه‌ی پیشنهادی دارد و تنها قصد یک دست کردن شیوه‌ی خط فارسی است. پس دو شکل پیشنهادی هر دو از نظر ما درست است و غلط محسوب نمی گردد. مثلاً هر دو شکل «نمی گردد» و «نمیگردد» و یا «هم فکر» و «همفکر» درست است.

۱- رعایت استقلال کلمات

هر کلمه دارای معنی مستقلی است و در جمله نقش دستوری دارد. پس استقلال آن هنگام نوشتن باید حفظ شود. در موارد زیر بهتر است دو بخش ترکیب جدا نوشته شود:

□ کلمات مرکب:

شورایعالی ے شورای عالی	دل داده ے دل داده
چشمپوشی ے چشم پوشی	سخندان ے سخن دان
جستجو ے جست و جو	نگاهداشت ے نگاه داشت
برونگرا ے برون گرا	زیانشناسی ے زبان شناسی
تصنیفخوان ے تصنیف خوان	دانشپژوه ے دانش پژوه

□ هم: همکلاس ← هم‌کلاس
همسال ← هم‌سال
توجه: چون «هم» در کلمات همسر، همسایه، همشیره و ... با جزء دوم خود آمیختگی معنایی پیدا کرده است پیوسته نوشته می‌شود.

□ چه: آنچه ← آن‌چه
چطور ← چه‌طور
توجه: «چرا» و «چگونه» استثنا هستند.

□ بی: بیحال ← بی‌حال
بیکس ← بی‌کس
بیکار ← بی‌کار
توجه: کلمات بیمار، بیدار، بیدخت، بیهوده و ... پیوسته نوشته می‌شوند؛ زیرا جزء دوم آن‌ها معنی مستقلی ندارد.

□ ای: ایخدا ← ای‌خدا
یک ← یک
یکطرفه ← یک‌طرفه
□ «ب» صفت ساز و قید ساز: بنام ← به‌نام
براحتی ← به‌راحتی
□ «ب» حرف اضافه: بعکس ← به‌عکس
باو ← به‌او
توجه ۱: «ب» در آغاز بعضی ترکیب‌های عربی جزء کلمه‌ی عربی است و پیوسته نوشته می‌شود. به غیر ← بغیر به‌لا تکلیف ← بلا تکلیف به‌لا فصل ← بلا فصل
توجه ۲: «ب» پیشوندی همواره به فعل می‌پیوندد:
به‌بینم ← بینم به‌رفت ← رفت به‌ساز و به‌فروش ← بساز و بفروش
«به» «ن» «می» وقتی بر سر فعلی می‌آید که با «آ» آغاز می‌شود، مد " " از الف حذف می‌شود و به جای آن «ی» می‌آید:
آید ← بآید آسا ← مآسا میاسا آمد ← نامد نیامد

۲- «ها» ی بیان حرکت

□ «ه» بیان حرکت («ها» ی غیرملفوظ) به جزء بعد نمی‌پیوندد:
علاقمند ← علاقه‌مند
جامها ← جامه‌ها
سایدار ← سایه‌دار
بهرمند ← بهره‌مند
□ کلماتی که به «ه» بیان حرکت ختم می‌شوند، در صورتی که با «ان» جمع بسته شوند یا «ی» مصدری بگیرند «ه» را از دست می‌دهند و با «گان» جمع بسته می‌شوند و با «گی» حالت مصدری یا نسبت پیدا می‌کنند و پیوسته نوشته می‌شوند:
تشنه‌گی ← تشنگی
طلبه‌گی ← طلبگی
نخبه‌گان ← نخبگان
شنونده‌گان ← شنوندگان
توجه: این قاعده شامل «ه» ملفوظ نمی‌شود. کلمه‌هایی که به «ه» ملفوظ ختم می‌شوند، به جزء دوم خود می‌پیوندند:
مه‌وش ← مهوش
به‌داشت ← بهداشت
که‌تر ← کهتر
که‌ریا ← که‌ریا
□ «ی» نکره یا وحدت پس از «ها» ی بیان حرکت به «ای» بدل می‌شود:
دسته‌یی ← دسته‌ای
آزاده‌یی ← آزاده‌ای
مه‌گان ← دهگان
زه‌تاب ← زهتاب
شه‌پر ← شه‌پر
مه‌سا ← مه‌سا

۳- «ة»

□ «ة» منقوط که در پایان برخی کلمات عربی وجود دارد، در فارسی به «ت» بدل می‌شود:
رحمة ← رحمت
نعمة ← نعمت
نصرة ← نصرت
توجه: «ة» در آخر برخی کلمات به همان شکل باقی می‌ماند:
دایرةالمعارف، عاقبة الامر و ...
گاه به صورت «ه» نوشته می‌شود: علاقه، معاوضه، خیمه، معاینه، اشاره و ...

۴- پسوندها

□ پسوندهای فارسی پیوسته نوشته می‌شوند:

گلمند ← گلهمند
گلدار ← گلهدار
یونجزار ← یونجه‌زار
لالگون ← لاله‌گون

گلشنه‌گی ← تشنگی
طلبه‌گی ← طلبگی
نخبه‌گان ← نخبگان
شنونده‌گان ← شنوندگان

شرکت‌کننده‌گان ← شرکت‌کنندگان
طلایه‌گان ← تلایگان
دیده‌گان ← دیدگان

مه‌شید ← مه‌شید
به‌تاب ← به‌تاب
زه‌بر ← زه‌بر
مه‌تاب ← مه‌تاب

خانه‌یی ← خانه‌ای
روزنامه‌یی ← روزنامه‌ای

گلزار ← گلزار
نمکدان ← نمکدان
گرمسیر ← گرمسیر
تنگنا ← تنگنا
ستمکار ← ستمکار
سوگوار ← سوگوار

۵- ضمایر ملکی (م، ت، ش، مان، تان، شان)

□ این ضمایر پیوسته نوشته می‌شوند:

صدای مان ← صدایمان
عموی ام ← عمویم
توجه: این ضمایر اگر پس از کلماتی درآیند که به «ه» ی بیان حرکت (= جامه)، مصوت (= تابلو)، مصوت ی (= بارانی) ختم می‌شوند، به صورت ام، ات، اش، مان، تان، شان، به کار می‌روند: جامه‌م ← جامه‌ام تابلوت ← تابلوات بارانیش ← بارانی‌اش

۶- فعل‌های اسنادی (ام، ای، است، ایم، اید، اند)

□ این افعال در صورتی به کلمات قبل از خود می‌چسبند که این کلمه‌ها به صامت ختم شده باشند:

خوشحالم ← خوشحالم
خشنودایم ← خشنودایم
توجه: افعال ربطی پس از کلماتی که به «ه» بیان حرکت و «ی» ختم می‌شوند، به صورت جدا نوشته می‌شوند:
فرزانه‌ام ← فرزانه‌ام
پاک‌اید ← پاک‌اید
ایرانی‌اید ← ایرانی‌اید

۷- همزه

□ هرگاه «ب، م، ن» بر سر افعال همزه دار درآید، همزه در کتابت به «ی» تبدیل می‌شود:

ب + انداخت ← بانداخت
م + انداز ← مانداز
ن + اندوز ← ناندوز
ب + افراشت ← بافراشت
بیفکند، میفکن، نیفتاد، نینداخت، بیندوز و ...
توجه: هرگاه فعل با «ا» یا «ای» آغاز گردد، این حروف پیوسته نوشته می‌شوند:
ایستاد ← ایستاد

□ همزه‌ی پایان برخی کلمات عربی در فارسی حذف می‌شود:

انشاء ← انشا
املاء ← املا
و انتها، صحرا، اعضا، رجا، شعرا، فضلا، بیضا و ...
ابتداء ← ابتدا

توجه ۱: این‌گونه کلمه‌ها هرگاه مضاف و موصوف واقع شوند، به جای کسره‌ی اضافه به آن‌ها «ی» اضافه می‌کنیم:

ابتداء کار ← ابتدای کار
انشاء روان ← انشای روان
و اعضای بدن، شعرای نام‌دار، فضلالی ایران، اقتضای حال، انتهای راه و ...

توجه ۲: این‌گونه کلمه‌ها هرگاه مضاف و موصوف واقع شوند، به جای کسره‌ی اضافه به آن‌ها «ی» اضافه می‌شود:

ابتدائی ← ابتدایی
شعرائی ← شعری

توجه ۳: همزه‌ی برخی کلمات اصلی است و نباید حذف یا بدل شود: جزء، رأس، سوء
□ همزه معمولاً در زبان فارسی برای سهولت تلفظ به «ی» بدل می‌شود:

شائق ← شایق
زائد ← زاید
دائرة ← دایره

و دایم، فواید، عجایب، دلایل، جایزه، علایم، ملایک، علایق، معایب و ...

توجه: برخی از همزه‌ها با شکل اصلی خود به کار می‌روند مثل: قرائت، قائم، رئیس، جزئی، صائب و ...

□ همزه‌ی کلمات بیگانه روی کرسی «ذ» نوشته می‌شود:

ژئوس، پنگوئن، ژوئن، ژئوفیزیک، کاکائو، لائوس، ناپلئون، لئونارد، سوئد، رافائل، سوئز، کافئین، بمبئی، تیروئید، تتار، رئالیست و ...

□ همزه‌ی ساکن ماقبل مفتوح «ا» در وسط یا پایان کلمه روی کرسی «ا» نوشته می‌شود:

رأس، مأخذ، تأثیر، ملجأ، تألیف، رأفت، یأس و ...

□ همزه‌ی ماقبل مضموم «ا» روی کرسی «و» نوشته می‌شود:

مؤمن، رؤیا، مؤذّب، فؤاد، رؤسا، مؤاخذه و ...

□ همزه‌ی ماقبل مکسور «ا» روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

تبرئه، سیئه، تخطئه، توطئه، بئر، لئام و ...

۸- نشانه‌ها (کسره‌ی اضافه، تنوین، تشدید، مد)

□ «ی» نشانه‌ی اضافه بر روی «ه» بیان حرکت معمولاً با «ا» بالای «ه» نشان داده می‌شود که به آن «ی» میانجی کوچک می‌گویند و چون ممکن است این علامت با همزه اشتباه شود، می‌توان به جای آن از «ی» میانجی بزرگ استفاده کرد:

پارچه نخ ← پارچه‌ی نخ
پوشه سبز ← پوشه‌ی سبز

کاسه آش ← کاسه‌ی آش
نامه دوستانه ← نامه‌ی دوستانه

□ نشانه‌ی اضافه «کسره» در حکم یک حرف مستقل است و باید به دنبال موصوف و مضاف قرار گیرد. در این صورت، خواندن آسانتر خواهد شد:

کتاب محمد، درس ادبیات، گل زیبا

□ کلمات مختوم به مصوت کوتاه «ا» (دو، تو، رادیو) و مختوم به مصوت مرکب «او» (جلو،

نو) وقتی مضاف واقع می‌شوند، «ی» به آن‌ها افزوده می‌گردد: دو ماراتن \rightarrow دوی ماراتن
 جلوی خانه \rightarrow جلوی خانه
 پیاده‌رو خیابان \rightarrow پیاده‌روی خیابان
 □ از نشانه‌های تنوین و تشدید معمولاً بر اساس ضرورت استفاده می‌شود:
 بنا، نجار، شدت، حتماً، نسبتاً، شفاهاً
 توجه: تنوین مخصوص کلمات عربی است بنابراین کاربرد آن با کلمات فارسی درست نیست: تلفناً، زیاناً
 علامت تنوین نصب روی حرف «الف» گذاشته می‌شود: عمداً، حقیقتاً

۹- الف مقصوره / اسامی خاص

□ الف مقصوره در پایان کلمات به صورت «ا» درمی‌آید: اعلا، کسرا، کبرا، تقوا
 کلمات (عیسی، حتی، یحیی، مرتضی، الی) از این قاعده مستثنا هستند. این‌گونه کلمات وقتی مضاف واقع شوند یا «ی» حاصل مصدر و نکره و نسبت بگیرند «ی» به «الف» تبدیل می‌شود: عیسی مسیح \rightarrow عیسای مسیح / موسی کلیم \rightarrow موسای کلیم
 «ی» نسبت در همه کلمات مختوم به الف مقصوره یکسان نیست:
 عیسی + یی \rightarrow عیسوی / موسی + یی \rightarrow موسوی
 □ کلمات رحمان، هارون، اسماعیل و ... به همین شکل نوشته می‌شوند.
 □ کلمه‌های داوود، طاووس، کاووس، سیاوش و مانند آن به همین شکل با دو واو نوشته می‌شوند.

www.hm124.ir

زبان چیست؟

www.hm124.ir

زبان قاعده‌مندترین علم در حوزه‌ی علوم انسانی است - گرچه ممکن است چنین به نظر نرسد - آن چنان که نظم دقیق آن را تنها با علم ریاضی می‌توان سنجید. قاعده‌مندی و نظم زبان آن چنان است که هیچ تخلّفی از اصول آن جایز شمرده نمی‌شود. می‌دانیم که بنیاد زبان بر محور هم‌نشینی استوار است؛ همان که در درس نخست از آن به عنوان رشته‌ی سخن یاد کردیم. این رشته اجازه می‌دهد تا تکواژها پس از گزینش و عبور از صافی ذهن‌گوینده در کنار هم بنشینند و جمله بسازند. این گزینش و اجازه‌ی عبور، بسیار منظم و دقیق است به طوری که هر عنصر زبانی در هر جایگاهی اجازه‌ی عبور نمی‌یابد، در حالی که مثلاً در ریاضی، با وجود نظم ظاهراً گسست‌ناپذیر آن، چنین قانونی در کار نیست. با مثالی این معنا را روشن‌تر نشان می‌دهیم:
 هر دستگاه عددی، مثل جمله یک محور هم‌نشینی دارد که اعداد بر روی آن محور در کنار هم قرار می‌گیرند اما این محور هم‌نشینی چنان نیست که انتخاب عددی از میان امکانات دهگانه‌ی اعداد برگزینش دیگر تأثیر بگذارد اما در زبان، این پیچیدگی ناشی از نظم حساب شده تا آن حد است که هرگزینشی می‌تواند خود در سرنوشت اعضای دیگر مجموعه اثر گذار و تعیین‌کننده باشد؛ مثلاً در دستگاه عددی زیر:

	۲		۴	۹	
--	---	--	---	---	--

هیچ عامل یا عدد موجودی، نمی‌تواند عوامل یا اعداد دیگر را تعیین و انتخاب آن را اجباری سازد اما در دستگاه زبانی زیر:

م	
---	--

آخرین حلقه‌ی زنجیره‌ی هم‌نشینی این جمله‌ی فرضی، پاره‌ای از جایگاه‌ها را دقیقاً تعیین می‌کند و بر پاره‌ای دیگر اثر تعیین‌کننده می‌گذارد؛ مثلاً بی‌تردید، جایگاه نخستین این دستگاه، از آن ضمیر «من» خواهد بود که خود به خود از میان شبکه‌ی منظم شش‌تایی موجود در زبان، می‌آید و نخستین جایگاه را اشغال می‌کند. بنابراین، جمله‌ی بالا، خواسته یا نخواستہ این شکل را می‌گیرد:

دیوان حافظ و مقابله‌ی آن با نسخه‌های گوناگون و دیوان‌های شاعران هم‌زمان یا نزدیک به زمان او کرده، در کتاب‌های تاریخ تحقیق کند و سپس نتیجه‌ی این کوشش‌ها را فشرده به خوانندگان گوشزد نماید و از بقیه به این بهانه که افسانه‌اند و یا بر گمان استوارند، بگذرد.

۸- گاه کوتاه کردن جمله آن قدر که ساختمان صرفی و نحوی کلام آسیب ببیند نیز جایز نیست.

□ از دقت شما تشکر و استدعا دارد این کتاب را مطالعه و تصحیح و به موقع ارسال داشته، ان شاء الله حق الزحمه‌ی آن پرداخت می‌گردد.

حذف‌های نابه‌جا در این جمله باعث شده است ساختمان جمله معیوب گردد. در اصل جمله چنین است:

□ از دقت شما تشکر می‌کنم و استدعا دارم این کتاب را پس از مطالعه تصحیح کنید و آن را به موقع ارسال نمایید. ان شاء الله حق الزحمه‌ی آن پرداخت می‌گردد.

۹- جز در نوشته‌های داستانی، آن هم هنگام نقل قول، هیچ‌گاه نباید به شیوه‌ی گفتار شکسته نویسی کنیم.

مهم‌ترین بخش مقاله، متن اصلی اونه که به بررسی جوانب مختلف می‌پردازد و می‌کوشد که جوابی منطقی برا موضوع مقاله عرضه کند.

□ همچنین از کلماتی که عوام به غلط تلفظ می‌کنند باید پرهیز کرد:

عباس سرزده وارد شد و پس از عرض خواهی گفت: استیفا داده است.

مقصود نویسنده از سرزده، ناگهانی و از عرض خواهی، عذرخواهی و از استیفا، استعفا بوده است. از کاربردهای دیگر عامیانه‌ی معمول:

زهله ے زهره

گرام ے گرامی

با این وجود ے با وجود این

خواروبار ے خواروبار

قتل و عام ے قتل عام

خورده فروشی ے خرده فروشی

واگیردار ے واگیر

صبح ناشتا ے ناشتا

□ کاربرد کلمات عامیانه نیز در نوشته نادرست است:

در سخنوری نباید روده درازی کرد؛ زیرا پرچانگی باعث می‌شود خواننده چرت بزند.

باید این چنین نوشت:

در سخنوری نباید زیاده سخن گفت؛ زیرا زیاده‌گویی باعث می‌شود خواننده به خواب رود.

۱۰- تغییر جای هر یک از کلمات در جمله اگر به قصد تأکید یا ناشی از سبک نویسنده نباشد جایز نیست:

□ باید تن به سختی‌ها داد. ے باید به سختی‌ها تن داد.

□ باید از هرگونه ابهام دور باشد آن چه را که می‌نویسیم. ے آن چه می‌نویسیم باید از هر گونه ابهام دور باشد.

۱۱- از افعال در جای خود و به گونه‌ی درست باید استفاده کرد.

□ دو چرخه‌ای عابری را زیر گرفت و مرد. ے دو چرخه‌ای عابری را زیر گرفت و کشت.

□ اکنون این صحنه را داشته باشیم ... ے اکنون این صحنه را ببینید.

□ او دیوارها را رنگ اما پرده‌ها را نیاویخته است. ے او دیوارها را رنگ کرده اما پرده‌ها را هنوز نیاویخته است.

□ خانه‌ی ما کنار خیابان می‌باشد. ے خانه‌ی ما کنار خیابان است.

۱۲- در جمله‌های همپایه زمان افعال باید مطابقت داشته باشد.

□ دانشجوی پر تلاش بسیار مطالعه کرده و حاصل مطالعات خود را با یادداشت برداری حفظ خواهد کرد. ے دانشجوی پر تلاش بسیار مطالعه کرده، حاصل مطالعات خود را با یادداشت برداری حفظ می‌کند.

۱۳- از واژگان (افعال، اسامی، صفات و ...) نباید به شیوه‌ی دستور تاریخی استفاده کرد.

□ او در این مسابقات حق خود را ادا تواند کرد. ے او می‌تواند در این مسابقات حق خود را ادا کند.

□ گفته آمد که زبان و تفکر ارتباط محکمی با هم دارند. ے گفته شد که زبان و تفکر ارتباط محکمی با هم دارند.

□ شادی روح شهیدان را صلوات. ے برای شادی روح شهیدان صلوات.

□ در زمان‌های گذشته ارتباط مردم با یکدیگر اندک بوده بود. ے در زمان‌های گذشته ارتباط مردم با یکدیگر اندک بود.

۱۴- در صورت مشخص بودن فاعل از کاربرد فعل مجهول خودداری کنیم.

□ این مدرسه توسط آقای خیرخواهی رایگان ساخته شد. ے الف) این مدرسه را آقای خیرخواهی به رایگان ساخت. ب) این مدرسه ساخته شد.

□ این کتاب توسط جمالزاده نوشته شد. ے الف) این کتاب را جمالزاده نوشت. ب) این کتاب نوشته شد.

۱۵- کلمه‌های فارسی را با نشانه‌های جمع عربی جمع نمی‌بندیم.
 کارخانجات ← کارخانه‌ها
 پروانه‌جات ← پروانه‌ها
 دسته‌جات ← دسته‌ها
 دستورات ← دستورها
 باغات ← باغ‌ها
 آزمایشات ← آزمایش‌ها
 بازرسین ← بازرسان
 بنادر ← بندرها
 اساتید ← استادان
 بساتین ← بستان‌ها
 میادین ← میدان‌ها

۱۶- در زبان فارسی صفت‌هایی که برای اسامی مؤنث می‌آوریم لازم نیست علامت تأنیث بگیرند.

زنان شاعره ← زنان شاعر
 والدهی مکرمه ← والدهی محترم (مادرگرامی)
 این جانبه ← این جانب
 کاربرد صفت مؤنث در برخی ترکیبات صورت اصطلاحی یافته است مثل مکّه‌ی مکرمه، مدینه‌ی منوره، قوه‌ی مجریه و ...
 متون قدیمه ← متون قدیم
 دوئیّت ← دوگانگی

۱۷- «یت» علامت مصدر جعلی عربی است نباید با کلمات فارسی به کار رود. خوبیّت ندارد ← خوب نیست

۱۸- «ال» علامت معرفه‌ی عربی است. کاربرد آن همراه کلمات فارسی درست نیست.

حساب الفرمان ← حسب فرمان
 حساب السفارش ← حسب سفارش
 در زبان فارسی حتی «ال» ترکیب‌های عربی نیز برداشته می‌شود:
 دارالملک ← دار ملک
 فارغ البال ← فارغ بال
 حسب الدستور ← حسب دستور

۱۹- «را» نشانه‌ی مفعول باید بلافاصله پس از مفعول بیاید. آوردن آن به دنبال فعل، متمّم و یا هر جزء دیگر نادرست است.

□ خانه‌ای که اکنون در آن ساکن هستم را پس از مدّتی خریدم. ← خانه‌ای را که
 □ کتابی که به دوستم امانت داده بودم را از او پس گرفتم. ← کتابی را که

۲۰- استفاده از «تا» و «الی» با هم نادرست است.
 او از صبح تا الی شب مطالعه می‌کند. ← او از صبح تا شب مطالعه می‌کند.

۲۱- در برخی جملات به تأثیر ترجمه، واژه‌ی «یک» بدون آن که نیاز باشد در ابتدای جمله می‌آید.
 یک دانشجو هیچ گاه از پژوهش بی‌نیاز نیست. ← دانشجو هیچ گاه از پژوهش بی‌نیاز نیست.

۲۲- کلمات عربی که بر وزن افعال تفضیل هستند و در فارسی معنی صفت تفضیلی و عالی می‌دهند، لازم نیست با «تر» و «ترین» به کار روند.
 اعلم‌تر ← اعلم
 افضل‌تر ← افضل

۲۳- آوردن دو حرف ربط وابستگی در یک جمله‌ی مرکب درست نیست.
 اگر چه او انسان خوبی است ولی این عیب را هم دارد. ← اگرچه انسان خوبی است، این عیب را هم دارد.
 همچنین: هرچند ... اما، هرچند ... لذا، اگرچه ... با وجود این، چون ... اما

۲۴- ساختن قید در زبان فارسی با علامت تنوین عربی نادرست است.
 ناچاراً ← به ناچار
 جاناً ← جانی
 گاهاً ← گاه گاه
 تلفناً ← تلفنی

۲۵- ضمیر و مرجع آن یک جا به کار نمی‌روند.
 اگر انسانی کار خوبی از او سر بزنند. ← اگر کار خوبی از انسانی سرزند.

۲۶- سعی کنیم به جای واژگان بیگانه از برابره‌های مناسب فارسی استفاده کنیم.

سیستم ← نظام
 کامپیوتر ← رایانه
 امتلا ← انباشتگی
 فول تایم ← تمام وقت
 علی کلّ حال ← در هر صورت
 جمهور ناس ← تمام مردم

۲۷- در جمله از دو کلمه‌ی پرسش استفاده نمی‌کنیم.
 آیا چگونه ...؟، آیا چه طور ...؟

۲۸- بعضی از فعل‌ها حرف اضافه‌ی ویژه‌ی خود دارند. (در کاربرد فعل با حرف اضافه‌ی خاصّ آن دقت کنیم).
 او به شنیدن این سخن عصبانی شد. ← او از شنیدن این سخن عصبانی شد.
 تیم آمریکا از ایران باخت. ← تیم آمریکا به ایران باخت.

پدیده‌ی دیگری با آن سر و کار دارد و در عین آن که به خوبی از آن استفاده می‌کند تقریباً کم‌تر از سایر پدیده‌های در دسترس، آن را می‌شناسد. خوشبختانه بخش‌پذیری زبان و نظام دار بودن آن کار شناخت را تسهیل می‌کند، زیرا هر دستگاهی که نظام دار باشد اجزای آن از سر تصادف در کنار هم قرار نگرفته‌اند. کشف نظم موجود میان اجزای این دستگاه یعنی تلاش برای شناختن زبان.

زبان چیست؟

اگر مقرر می‌بود که در جریان ارتباط میان انسان‌ها تجربه‌های آنان به وسیله‌ی عبارت‌ها و جمله‌های مجزاً به یکدیگر انتقال داده می‌شد، هر فرد انسانی می‌بایست میلیون‌ها جمله‌ی منفرد و متفاوت در ذهن می‌داشت تا می‌توانست در مواقع لزوم برای انتقال تجربه‌هایش به کار گیرد، اما چنین کاری به دلیل محدودیت حجم مغز بشر و گستردگی تجربه‌هایش ممکن نیست. گرچه هستند حیوان‌هایی که در برخورد‌هایشان با همدیگر چنین عمل می‌کنند، اما تفاوت آن‌ها با نوع انسان در حجم اطلاعات است. مثلاً ثابت شده است که شمپانزه‌ها، دلفین‌ها و پرندگان مجموعه‌ی اصواتی در اختیار دارند که هر یک را در موقعیتی مختلف از قبیل ترس، شادی، بر حذر داشتن دیگران، یافتن غذا و از این قبیل موقعیت‌ها به کار می‌برند ولی طبیعتاً چنین مواردی نباید خیلی گسترده باشد. دانشمندان این مجموعه‌ی اصوات را در میان جانوران مختلف تا سی‌چهل مورد شناسایی کرده‌اند، اما آگاهی‌های انسان چنین محدود نیست. پس انسان، کار انتقال اطلاعات تجربی خویش را بر اساس دستگاهی پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر انجام می‌دهد که کارایی بیشتری داشته باشد. آن دستگاه «زبان» نام دارد که بر خلاف دستگاه انتقال تجربیات حیوان، زایا و تجزیه‌پذیر است. بر اساس این روند، تجربه‌ی انسان ابتدا به واحدهایی به نام جمله، تجزیه می‌شود که تعدد و تنوع آن‌ها نامحدود است. جمله‌ها نیز به واحدهای کوچکتری به نام گروه تجزیه می‌شوند، گروه به واژه و واژه به «تکواژ» بخش‌پذیر است که تعداد آن‌ها در زبان بشر بسیار زیاد است، تکواژها نیز - که هم صورت صوتی و هم محتوایی معنایی دارند - به واحدهایی مجزاً و متوالی به نام «واج» تقسیم می‌شوند که تعداد آن‌ها در زبان‌های گوناگون بشری بین بیست تا چهل تا است و به خاطر سپردن آن‌ها بسیار ساده.

واج‌ها تنها، صورت صوتی دارند و بر هیچ معنایی دلالت نمی‌کنند، اما اجتماع آن‌ها بر اساس نظام زبان‌های مختلف، انبوه تکواژها را پدید می‌آورد. این روند را تجزیه‌ی دوگانه‌ی زبان می‌نامند.

روش تجزیه و تفکیک عناصر و نمونه برداری از انواع مختلف عناصر و دسته بندی اطلاعات ناشی از تجزیه و تقسیم آن‌ها کار همه‌ی شاخه‌های علوم تجربی است که به قصد شناخت انجام می‌شود. هدف این کار، اشراف و آگاهی انسان نسبت به دنیای پیرامون خویش است. زبان نیز به عنوان یکی از مواد مورد علاقه‌ی انسان برای شناخته شدن به چنین شیوه‌ای بررسی می‌شود تا انسان بتواند از چنین پدیده‌ی پیچیده و منظمی آگاهی یابد که بیش از هر